

اورازان

جلال آل احمد

شنايا

سرشناسه	آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸ .
عنوان و نام پدیدآور	Al Ahmad, Jalal
مشخصات نشر	اورازان/ جلال آل احمد.
مشخصات ظاهری	تهران: شنلیا، ۱۳۹۸.
شابک	۷۷ ص ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۷۱۶۱۰۹-۰
یادداشت	فیبا
موضوع	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	اورازان -- اوضاع اجتماعی
موضوع	Urazan (Iran) -- Social conditions
موضوع	جامعه‌شناسی روستایی
ردیف - ی کنگره	Sociology, Rural
رده بنده دیویی	DSR۲۰۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۱۲۵۵ /۹۵۵
	۶۰۲۹۸۰۰



اورازان

جل آل احمد

نشر: شنلیا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۶۱-۰۹-۰

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۹۸-۰۹۱۳۴۹۸۴۹۷۹

فهرست مطالب

۶۰	مقدمه
۱۱	۱
۱۶	۲
۲۳	۳
۲۷	۴
۳۲	۵
۳۷	۶
۴۲	۷
۴۶	۸
۵۱	۹
۵۱	فرهنگ مختصر اورازانی
۶۶	۱۰
۷۳	۱۱
۷۳	چند نکته دستوری
۷۶	چند نکته مربوط بصوت شناسی

مقدمه

گرچه سرعرف سیاست و فرهنگ و مطبوعات معاصر مملکت ما یک ده در هیچ مورد به هیچ حساسیت نم آید ولی به هر صورت هسته اصلی تشکیلات اجتماعی این سرزمین و زمام اصلم قضاوت درباره تمدن آن همین دهات پراکنده است که نه کنجکاو متهمان را می بکیزد و نه حتی علاقمندی خریداران رأی و سیاستمداران و صاحبان امر را.

چرا ... گاهی اتفاق افتاده است که مستشرقی یا لهجه شناسی به عنوان تحقیق در لهجه دور افتاده ای سری به دهات می آید و مجموعه ای نیز گرد آورده است ولی غیر از آنچه مربوط به مورد علاقه اوست نه از مردم این دهات و نه از آداب و رسومشان و نه از وضع معیشتشان چیزی در این مجموعه ها نمی توان یافت. یا اگر میتوان یافت بسیار گذرا و سرسری است. نقصی که از کسی نیست. ناشناخته های این سرزمین آن قدر فراوان است که کمت کسی حوصله می کند به چنین موضوع حقیری بپردازد و وقت عزیز خود را برآورد. یک ده- یک ده بی نام و نشان- که در هیچ نقشه ای نشانه ای از آن نیست و در جغرافیاهای بزرگ و دقیق نیز بیش از دو سه سطر به آن اختصاص داده

۷ ♦ اورازان

نمی‌شود، صرف کند. با این همه این مختصر دربارهٔ چنین موضوع حقیری فراهم شده است. نویسندهٔ این مختصر نه لهجه‌شناس است و نه در این صفحات با مردم شناسی و قواعد آن - و یا با اقتصاد سروکاری دارد و نه قصد این را دارد که آشنائی دربارهٔ امری بکند که مقدماتش در این جزوه آمده است. بلکه سعی رده است با صرف دقتی که اندکی از حد متعارف بیشتر است یک ده دور افتاده را با تمام مشخصات آن ببیند و از آنچه دیده است مجموعهٔ مختصری فراهم آورد. حال نکابوی زندگی روزمرهٔ مردم آن ده و نشان بدهد که موضوع هر چه خلاصه‌تر و حقیرتر باشد مجال دقت و تحقیق گشاده‌تر خواهد بود.

شاید همان برد شود که آنچه در این مجموعه آمده است بر آنچه در دیگر دهات ایران می‌برد اعتبار دارد و مثلاً به همین علت جلب نظر نویسنده را کرده است. البته چنین دمانی به خطاست. «اورازان» ده مورد بحث این مختصر - دهی است مثل هزاران ده دیگر این که زایش را باخیش شخم می‌زنند و بر سر تقسیم آبش همیشه دعوا برپاست. مردم آن به ندرت حمام دارند و چایی‌شان را باکشمش و خرما می‌خورند و اگر نویسندهٔ این سطور آن را برگزیده به علت علایقی بوده است که به آن داشته. «اورازان» مولد اجداد او بوده است و از نظر وابستگی‌های مادی و معنوی بخوبی که در این گونه موارد انگیزهٔ رفت و آمدهای از ده به شهر و از شهر به ده می‌شود اکنون پنج شش باری اتفاق سفری به آن ناحیه برای او دست داده است که آخر سال در تابستان ۱۳۲۶ بوده. مجموع مدت اقامت نویسنده در آنجا ضمن این مدت سه مرتبه موسمی و متناوب به بیش از یکسال رسیده و تهیهٔ این یادداشت‌ها سهولت ایام اقامت او در آنجا بوده است. و اکنون که ترتیبی به آنها داده می‌شود و به انتشار آماده می‌گردد خود نویسنده نیز نمی‌داند که آن را از چه مقوله بدانند؟ آیا

سفرنامه است؟ تحقیقی از آداب و رسوم اهالی است؟ یا بحثی دربارهٔ لهجه‌ای است؟ چون وقتی این یادداشتها فراهم می‌شده است هیچ قصدی در کار نبوده. حتی قصد انتشار آن. و همانطور که گذشت فقط مشغولیتی بوده است در ایام فراغتی. و برای دیگران نیز اگر به هیچ کاری نخورد دست کم مشغولیتی برای ساعات فراغتشان خواهد بود.

به هر صورت «اورازان» (بر وزن جوکاران) ده کوهستانی از تمدن شهری دور ده‌ایست در متهای شرقی کوهپایه‌های طالقان^۱ که نه تنها از دستان و دزدانمندی بهداری در آن خبری نیست بلکه اغلب اهالی هنوز با سنگ پرتابی و قویچه‌های خودشان را آتش می‌کنند و برای روشن کردن اجاق‌ها و تنورهای چوبی که به پنج شش برابر یک چوب کبریت بلندی دارد و سر آن آغشته به گران است آتش می‌کنند.

گرچه در کتاب‌های رسم و آداب جغرافیایی سکنة آن را در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده‌اند ولی در حدود سی خاتوار در آن سکونت دارند که بنا به گفتهٔ کنخدای

^۱ علاوه بر آنچه که بدین نام مورد بحث فعلی است ما این دیگری از نواحی خراسان قدیم در «المسالک» و دیگر کتب جغرافیایی اسلامی ذکر شده است. در کتب رجال و انساب نیز از طالقانی‌های متعددی ذکر رفته است. گرچه این همه در دههٔ اخیر جزوه نیست ولی آنچه مورد توجه است اطلاق این اسم بر دو ناحیه متفاوت است و کشف اینکه کدام یک چنین اطلاق واحدی به عمل آمده و اینکه تقدم با کدام موردست. نویسندهٔ این سفرنامه خود در اینگونه مباحث ذی فایده نمی‌داند جز طرح این سؤال کاری نمی‌تواند بکند (و علاقمندان را مثلاً به اسامی و شهرهای مریخوم کسروی مراجعه می‌دهد) اما یک روایت عوامانه بر سر زبان طالقانیهای رزد بحث بر این است که در آن اشاره به پنهانده شدن فرزندان علی به طالقان شده و اینکه بعد به علاءالدین معاوی با بزد آن ناحیه را از مالیت «طلاق» داده - باج و خراج را از آن برداشتند. عوامانه بودن این روایت از دلالت بر پیداست ولی شاید برای کشف این مطلب که اطلاق چنین اسمی بر چنین محلی امری درست است یا نه اشاره‌ای باشد.

^۲ فرهنگ جغرافیایی ایران - چاپ ۱۳۲۸ - جلد اول صفحه ۲۶. «اورازان ده جزو دهستان بلا بخش طالقان - شهرستان تهران جنوب خاور طالقان. در کوهستان - سردسیر. سکنة ۶۸۴ - شیعه - فارسی

اورازان ♦ ۹

محل در سال ۱۳۲۶ جمعاً چهارصد و شصت نفر می‌شده‌اند. اورازان از قسمت «بالا طالقان» به حساب می‌آید. این قسمت با دو قسمت دیگر میان و پایین طالقان روی هم رفته در حدود ۸۰ پارچه آبادی دارد که هر کدام به نسبت آب و آبادانی زمین و اطراف خود پرجمعیت‌تر و یا سوت و کورت‌ترند.^۱

خود طالقان دره بزرگی است که امتداد طولی آن از شمال شرقی به جنوب غربی است. درته این دره از شمالی‌ترین نقاط آن رودخانه محلی یعنی «شاهر» یا «جریان» تند و آبی کف کرده روان است و پس از پیمودن تمام طالقان در حد «قل‌اوزن» می‌پیوندد و به صورت سفیدرود از گیلان می‌گذرد و به دریا می‌ریزد.

در دو طرف جنوبی و شمالی همین رودخانه، دهات طالقان پراکنده است. بالا طالقان کوچک‌تر و سردسیرتر است و هرچه به پایین طالقان نزدیک بشوید به جلگه نزدیک‌تر می‌شوید. طالقان از شمال و مغرب به تنکابن و الموت محدود است و از جنوب به ساوجبلاغ. که‌های شرقی طالقان متصل است به

نامی چشمه و زهاب، رودخانه محلی. غلات: پنبه، لبنیا، اردو و میوه‌جات. شغل زراعت و گله‌داری و عده‌ای از سکنه برای تأمین معاش تهران و مازندران در روند. راه مالرو.

^۱ اساسی دهات طالقان به نقل از «اساسی دهات کشور» (چاپ دوم - ۱۶) چاپ است. آنچه

بین‌الاهلین گمانه شده اصلاحاتی است که نویسنده با آشناییهای خاص خود در ضبط اداره آمار کرده.

هاونگ - اورازان - آیین کلايه - آرتون - اردکان - ارموت تکیه - اسفاران - هواوک - میرنان - ابصار (۲) - اسکان - اوچان - بزج (بزه) - باریکان - پراچان - پرده‌سر - برگه - تکیه‌جوسان - تکیه - یزن - جوسان - جزینان - حصیران - حسنچون - خسیان - خجیرمخودکاوند - خیکان - خور - خوراک - دیزا (دیزه - دیزج) - درایی - ده‌در - دنیلید - روشن‌آب‌در - زیدشت - سکران‌چال - سفج‌خانی - سکر - رحان - سیدآباد - سنگین - شهرک - شهراسر - شریف‌کلا - سالی‌سر - فشندک - کوران (گوران) - کلیرد (کلیرد) - کوبین (خوبین) - گررود (گرود) - کنه‌ده (گته‌ده) - کلی‌تک (گلینک) - کولج (کوله) - کولج (کما) - کلاتک - کش - کشرود - کلارود - کچی‌ران - گراب - لهران - مرجان - مهران - میناوند - میراش - موچان - میر - نوپک - نوپ - نارایان - نساءعلیا - نساءسفلی - وشته - ورکش - هرنج - هشان

کوههای غربی جاده کرج به چالوس، در چنین ناحیه‌ای است که اورازان قرار گرفته. در دورهٔ بیست ساله ... کوشش‌هایی برای ایجاد جاده شوسه برای طالقان شد که از آن به بعد متروک مانده است. راه‌ها مالرو است و هنوز «شاه‌رود» بزرگترین وسیلهٔ حمل و نقل است. به این معنی که در اواخر تابستان تمام چوبهایی را که در تمام طالقان قطع می‌کنند به رودخانه می‌اندازند و بوسیلهٔ آن تنهٔ آب حمل می‌کنند.

این بود مختصری دربارهٔ ی موقع و محل جغرافیایی ناحیه‌ای که ده مورد بحث است. آبادیهای آن است. تمام طالقانیها زبان خود را «تاتی» می‌دانند. آنها چه در امور مادی و اقتصادی و چه در مسایل مربوط به زبان و فرهنگ سازندگاری است. نمونه‌های کوتاهی که در این موارد داده شده است مؤید این است. برای آنکه دقت بیشتری به کار برده شده باشد لغات و اصطلاحات محلی به حروف لاتین نیز ضبط شده است.

عکس‌ها و نقشه‌ها [دست‌نویس] است. طرح نقشه‌ها و اشکال و ظروف محلی را آقای بهمن محسن کشیده‌اند. گذشته از ایشان باید از زن عزیزم تشکر کنم که زحمت ترجمهٔ این مقاله را به انگلیسی برخورد هموار ساخته و بیش از همه مرهون تشویق‌ها و فداکاری‌های دوست فاضل خویش آقای ایران‌پرست هستم.